

ایران و جهانی شدن، تهدیدها و فرصتها

دکتر محمدرضا دهشیری

استادیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین الملل

چکیده

در ارتباط با ماهیت جهانی شدن، دو نگرش بدبینانه و خوش بینانه وجود دارد: در نگرش بدبینانه، جهانی شدن معادل با «جهانی سازی» است که در صدد همگن سازی جهانی از رهگذر تسلط فرهنگ و اقتصاد غرب بویژه آمریکا بر سایر ملل است و در نگرش خوش بینانه، «جهانی شدن»، فراگردی غیرارادی و در حال وقوع است که ناظر بر گسترش مرادوات اجتماعی، امپراتوری جامعه مدنی، ارتقای همکاریهای بین المللی و منطقه ای و گفتگوی تمدنهاست.

در نحله شناسی تفکرات صاحب نظران ایرانی درباره جهانی شدن، چهار رویکرد متمایز و در عین حال تلفیقی دیده می شود. دیدگاه نئومارکسیستی با تکیه بر روابط نابرابر اقتصادی، دیدگاه نئورئالیستی با تأکید بر رابطه هژمونیک سیاسی قدرتهای بزرگ، دیدگاه نوکارکردگرایانه با توجه به افزایش هویتها و همکاریهای منطقه ای در مسیر تعامل و تفاهم جهانی و بالاخره رویکرد نئولیبرالیستی با عنایت به روند خودکار آزادسازی تجاری و ارتباطات جوامع بشری، چارچوبهای نظری تحلیل دیدگاههای برخی از صاحب نظران ایرانی را تشکیل می دهد. این مقاله با استناد به نظر برخی از صاحب نظران ایرانی، درصدد ارائه راهکارهای تلفیقی، عملی و مناسب در پیش روی جمهوری اسلامی ایران با این رویداد مهم و سرنوشت ساز در ابتدای هزاره سوم میلادی است.

مقدمه

جهانی‌شدن (Globalization) پدیده‌ای مبهم، پیچیده و با ابعاد گوناگون است. این ابهام از آن جهت است که عده‌ای آن را فرایند و برخی دیگر آن را پروژه دانسته‌اند. بر این مبنا، جهانی‌شدن می‌تواند فرصت و در عین حال چالشی فراروی نظام اسلامی ایران به‌شمار رود. یکپارچه‌سازی فرهنگی در عین ایجاد گسل در هویت‌های محلی، با مکانیزه کردن کشور با بهره‌گیری از رژیم‌های بین‌المللی، از هم‌گسیختگی حاکمیت سیاسی، اندلسیزه^(۱) کردن فرهنگ ملی، دگرگون‌سازی لایه‌های اجتماعی، گسترش جرم و جنایت و تبهکاری فرامرزی و ایجاد گسست در نظام اقتصادی در اثر انتقال آزاد کالا، سرمایه و خدمات از پیامدهای ناگوار جهانی‌شدن خواهد بود. از دیگر سو، جهانی‌شدن فرصتهایی از قبیل افزایش ارتباطات و کاهش فاصله‌های زمانی و مکانی، ارتقای خودآگاهی جمعی نسبت به سرنوشت مشترک بشری، حفظ محیط زیست با احتساب تمامی گیتی به‌عنوان وطن خود، جریان آزاد عقاید و اطلاعات، گسترش حیطه انتخاب بشر از سطح ملی به جهانی، تسریع تحرک اجتماعی، امکان تعاطی دیدگاه‌ها و درک متقابل فرهنگها، انتقال مفاهیم و ارزشهای مشترک ذهنی بشر، احساس تعلق انسانها به اجتماعی کلی‌تر و گسترش و تقویت همکاری و همفکری ملتها با توجه به کمرنگ شدن مرزها و فرسایش حاکمیتها را فراروی ایرانیان قرار داده است. از اینروست که در عین ایجاد گسل، یکپارچگی را به ارمغان می‌آورد؛ نه آرمانشهر به حساب می‌آید و نه فاجعه محسوب می‌گردد بلکه در عین واگرایی، همگرایی را دربر دارد (Fragmegration) و در عین نگرش از بالا به پایین، بر فرایند تصمیم‌گیری از پایین به بالا و گسترش هویت‌های منطقه‌ای تأکید دارد و بدین لحاظ جهانی‌شدن - منطقه‌ای‌شدن (Glocalization) در تعامل با یکدیگر است.

با عنایت به ذو ابعاد بودن مفهوم جهانی‌شدن، صاحب‌نظران ایرانی نیز از دیدگاه‌های مختلف بدان نگرسته‌اند. برخی آن را پروژه‌ای تحمیلی دانسته‌اند که غرب بویژه ایالات متحده آمریکا در صدد تحمیل فرهنگ مصرف خود با کوکا‌کولایی کردن جهان و یا

ترسیخ ارزشهای سکولار و فرهنگ جنسیت غرب از رهگذر تسلط بر رسانه‌ها و جریان اطلاعات و ارتباطات است و برخی دیگر با نگرشی مثبت، آن را عرصه‌ای برای ارتقای خود آگاهیه‌های بشری، افزایش نقش شبکه‌های فراملیتی در امر تجارت، نزدیکی و هماهنگی بیشتر بین بازیگران بین‌المللی، توسعه ساختار اطلاع‌رسانی و نظام اطلاعاتی در سطح جهانی و ارتقای اهمیت دیپلماسی چندجانبه‌گرا دانسته‌اند. بنابر این صاحب‌نظران ایرانی به جهانی شدن به‌عنوان امری دوسویه نگریسته‌اند که در عین تخریب، سازندگی را نیز دربر دارد.

برخی بیشتر ابعاد اقتصادی و فرهنگی جهانی شدن را مورد اهتمام قرار داده و برخی دیگر بر ابعاد ارتباطاتی و حقوقی جهانی شدن تأکید ورزیده‌اند.

عده‌ای از صاحب‌نظران ایرانی جهانی شدن را بسان قطاری دانسته‌اند که باید بسرعت خود را بدان رساند و با ورود به آن از قافله پیشرفت علم و تکنولوژی عقب نماند. عده‌ای دیگر آن را بسان رودی خروشان دانسته‌اند که دیر یا زود ما را در خواهد ریود و مانند خاشاکی به پیش خواهد برد و ما را مستغرق دریای موج خود خواهد کرد. برخی آن را تسکین‌بخش دردها تصور کرده و برخی دیگر آن را اهریمنی پلید دانسته‌اند که فقری دهشتناک و آلامی فزاینده برای ایران در پی خواهد داشت.

با عنایت به دیدگاه‌های متفاوت نسبت به مقوله جهانی شدن، عده‌ای راه‌حل را در ادغام و اندماج در روند مزبور و تسلیم و انقیاد در برابر آن دانسته و برخی دیگر مقاومت در برابر آن را توصیه کرده، و برخی دیگر مدیریت تحول یا مدیریت تغییر را برای بهره‌گیری از فرصتها براساس استراتژی زمان پیشنهاد کرده‌اند.

حال با توجه به نظریات متفاوت ایرانیان اعم از صاحب‌نظران رسمی بویژه کارگزاران اجرایی و نمایندگان تقنینی و صاحب‌نظران غیررسمی شامل استادان، نویسندگان و ارباب جراید، این مقاله در نظر دارد ابتدا ماهیت، سپس ابعاد و نهایتاً پیامدهای جهانی شدن را از رهگذر مذاقه در نظریه‌های مسئولان و صاحب‌نظران ایرانی بررسی کند و در پایان راهکارها و پیشنهادهایی را درباره جهانی شدن مورد اهتمام قرار دهد. امید اینکه این

پژوهش بتواند دیدگان و ذهنیت ایرانیان و به عبارت دقیقتر محیط روانشناختی یا ادراکی آنان را در معرض افکار عمومی داخلی و بین‌المللی قرار دهد. نگارنده اذعان دارد که مشکل عمده در روند تصمیم‌گیری کنونی ناشی از عدم اجماع در درک مشکل است که مراحل بعدی یعنی تدوین و تنظیم راه‌حلهای، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی را با موانع و مشکلاتی روبه‌رو می‌سازد. لذا شایسته است به درکی مشترک از پدیده جهانی شدن بویژه در سطح صاحب‌نظران اعم از رسمی و غیررسمی نایل آمد تا براساس اجماع نظر آنان و با سرعت تصمیم‌گیری و اقدام حاکمان، زمینه‌های ارتقای توانمندیهای ملی و افزایش توان بازیگری کشور در عرصه جهانی فراهم آید. از اینرو، این مقاله اگر در افزایش توجه به ضرورت هم‌اندیشی درباره راهکارهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در برابر جهانی شدن توفیق یابد، رسالتی قابل قبول را انجام داده است چراکه آسیب‌شناسی و درک مشکل، زمینه‌ساز جستجوی راه‌حلهای خواهد گردید. حال، به مروری بر نظریات ایرانیان درباره جهانی شدن می‌پردازیم:

الف) ماهیت جهانی شدن

در مورد ماهیت جهانی شدن دو نوع نگرش بدبینانه و خوشبینانه وجود دارد: در نگرش بدبینانه، جهانی شدن معادل با جهانی‌سازی یا جهانگرایی به‌شمار می‌آید که در صدد همگن‌سازی و یکسان‌سازی جهان از رهگذر تسلط فرهنگ هرثمون بر سایر فرهنگها و نیز سردمداری تجارت جهانی با بهره‌گیری از بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و شرکتهای چندملیتی است. در رویکرد خوش‌بینانه، جهانی شدن فراگیری در حال وقوع و شکل‌گیری در جهان وابستگی متقابل پیچیده و در دنیای موج سوم اطلاعات و ارتباطات است که ناظر بر گسترش مراودات اجتماعی، «امپراتوری جامعه مدنی» به تعبیر «جاستین روزنبرگ»، تراکم زمان و مکان به تعبیر «دیوید هاروی»، انسان سیبرنیتیک به تعبیر «هانری لوفور»، فشردگی جهان و تشدید آگاهی جهانی به تعبیر «رابرتسون»، تحقق دهکده جهانی «مک لوهان» و نهایتاً

تحول ساختاری در ابعاد فراملی در فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به تعبیر «آنتونی مک گرو» است.

نحله‌شناسی تفکرات صاحب‌نظران ایرانی درباره جهانی شدن، چهار رویکرد متمایز را نشان می‌دهد. عده‌ای با نگرش «نئومارکسیستی» با تعبیر مرکز - پیرامون، جهانی شدن را موجب افزایش قدرت و ثروت کشورهای متروپل و به حاشیه رانده شدن کشورهای ضعیف دانسته‌اند. برخی با نگرش «نئورئالیستی» آن را فرصتی برای قدرتهای بزرگ به منظور افزایش، حفظ، نمایش و اعمال قدرت خویش با نگاه ابزاری به تحولاتی از قبیل کاهش اقتدار دولتهای ملی در نظام پساوستفالی محسوب داشته‌اند. بعضی با رویکردی «نوکارکردگرایانه» افزایش تعامل هویت‌های منطقه‌ای را زمینه‌ساز ارتقای همکاریها و تفاهم‌های جهانی دانسته و منطقه‌گرایی را فراگرایی مطلوب و گامی اولیه در مسیر جهانی شدن تلقی نموده‌اند. برخی دیگر با رویکردی «نئولیبرالیستی» جهانی شدن را به منزله آزادسازی تجاری در دنیای به هم پیوسته دانسته‌اند که مراودات و مبادلات و ارتباطات جوامع بشری را روزافزون خواهد کرد.

با وجود این به نظر می‌رسد رویکرد تلفیقی بیشتر مدنظر صاحب‌نظران ایرانی بوده است که به گونه‌ای که جهانی شدن را همزمان دربردارنده فرصتها و چالش‌هایی دانسته‌اند. آقای سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران آن را فرصتی برای برخورداری از پیشرفت مزایای زندگی به نحو عادلانه، طی مسیر توسعه سیاسی، اقتصادی و علمی، مشارکت عادلانه همه ملتها و برخورداری ملتها از حقوق مدنی دانسته‌اند و همزمان، جهانی شدن را چالش به دلیل محو همه فرهنگها و سلطه یک فرهنگ دارای امکانات بیشتر بر سایر فرهنگها، به حاشیه راندن ملتهای ضعیف به دلیل ادغام فرهنگهای ملی در فرهنگ مسلط جهانی، تحمیل فرهنگ و مشی‌های خاص و قدرتمندان بر دیگر انسانها با هدف قرار دادن سرمایه‌های ملی و فرهنگی کشورهای در حال توسعه، تحمیل ارزشها و خط‌مشی صاحبان قدرت، تهدید صلح و ثبات جهانی به دلیل موضع فزون‌طلبانه و قدرتهای بزرگ، افزایش شکاف میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، تهدید

فرهنگهای بومی در فراگرد تهدیدکننده غربی شدن و نهایتاً طرح جدید استعمار و نمونه بارز استعمار نوین محسوب داشته‌اند.^(۲)

آقای دکتر کمال خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز جهانی شدن را فرصتی برای تقویت ساز و کارهای بین‌المللی به منظور ریشه کن کردن و مبارزه با توسعه نیافتگی، بی‌عدالتی اجتماعی، فقر، فساد و تبعیض، گسترش روابط اقتصادی، جذب سرمایه‌های خارجی و توسعه صادرات غیرنفتی، بهره‌گیری از تحول مفاهیم حقوقی و بین‌المللی و گروه‌بندیهای جدید منطقه‌ای و فعالیتهای تبلیغاتی برای تنویر افکار و اذهان عمومی بین‌المللی و ارائه چهره شایسته و واقعی جمهوری اسلامی ایران دانسته و همزمان، آن را چالش به دلیل جهانی شدن جنایتهای سازمان‌یافته، خدشه‌دار کردن ثبات سیاسی جوامع، مختل کردن پایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی جوامع، سلطه‌جویی فرهنگی و انحصارگری آمریکا با بهره‌گیری از نابرابری قدرت سیاسی و اقتصادی تلقی نموده‌اند.^(۳)

بنابر این، ماهیت جهانی شدن از دیدگاه مقامات سیاسی ایران، نه یکسره منفی و نه یکسره مثبت است؛ چراکه آن را دارای ویژگیهایی از قبیل ابهام، پیچیدگی ارتباط و اختلاط اجزای فرهنگی و اقتصادی، چندبعدی و ترکیبی دانسته‌اند. با وجود این، اکثریت صاحب‌نظران ایرانی بر این نکته متفق‌القولند که بین‌المللی شدن (Internationalization) زمینه‌ساز جهانی شدن است^(۴) و جهانی شدن بیشتر پدیده‌ای ارگانیک و پویاست تا مکانیکی و ایستا. بنابر این ماهیت «تداوم در عین تغییر» جهانی شدن، کشورها را به انعطاف‌پذیری ساختارهای سیاسی و اقتصادی، پویایی مدیریتها با بهره‌گیری از استراتژی زمان و سرعت عمل و تحرک بیشتر وامی‌دارد. در واقع، ماهیت ترکیبی جهانی شدن از سیرکولاسیون و ایکونوگرافی بیانگر اثرگذاری متقابل دو نیروی دورکننده ملتها از هم و نزدیک‌کننده ملتها به هم است که «مدیریت تحول» توان اداره این دیالکتیک‌گریز از مرکز - جذب به مرکز را دارد.

ب) پیامدهای جهانی شدن

با عنایت به دو رویکرد مثبت و منفی نسبت به جهانی شدن، برخی پیامدهای ایجابی و برخی دیگر عواقب ناگوار سلبی را برای آن تصور نموده‌اند؛ گرچه بیشتر اندیشمندان ایرانی نقاط قوت و ضعف آن را با یکدیگر برشمرده‌اند.

دکتر فرهنگ رجایی در عین اینکه جهانی شدن را موجب گسترش ارتباطات و اطلاعات و هموار شدن راه برای شبکه‌های فراملیتی تولید، تجارت و امور مالی می‌داند آن را زمینه‌ساز قدرتمندی عده‌ای و ناتوانمندی عده زیادی دیگر به‌طور همزمان می‌داند.^(۵)

دکتر مهدی فاخری پیامدهای مثبت جهانی شدن را رساندن انسان به صلح و آرامش جهانی، گرایش بیشتر حکومت‌های اقتدارگرا به دموکراسی، کاهش تعارضات ایدئولوژیک، گسترش اطلاعات و ارتباطات، نزدیکی و هماهنگی بیشتر بین بازیگران بین‌المللی و ارتباط و پیوستگی زنجیروار تحولات بین‌المللی، می‌داند و پیامدهای منفی آن را فقیرتر کردن فقرا، غنی‌تر کردن اغنیا، تخریب محیط زیست، استثمار مدرن، افزایش شکاف بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و قرار گرفتن ابزار تصمیم‌گیریهی بین‌المللی در اختیار شمال برمی‌شمرد.^(۶)

دکتر سیدمحمدکاظم سجادی‌پور جهانی شدن را فرصتی برای گسترش دیپلماسی چندجانبه با توجه به ظهور بازیگران جدید و شکل نوین بازیهای بین‌المللی می‌داند و در صورت تلاش ابرقدرتها برای یکسان‌سازی فرهنگی تهدید به حساب می‌آورد.^(۷)

از نظر دکتر مسعود اسلامی جهانی شدن جایگاه قدرت، مفهوم، دامنه و کارکرد حاکمیت‌های دولتی را دگرگون ساخته‌اند و با انقلاب فراگیر جهانی شکلها و قالبها و نیز ساختها و بنیانها را تحت تأثیر قرار داده و امری دوسویه تلقی می‌شود که موجب تخریبها و سازندگیهاست.^(۸)

از نظر دکتر ابومحمد عسکرخانی، تهدیدها و محدودیت‌های جهانی‌سازی برای جهان سوم از فرصتهای آن فزونتر است. در بعد اقتصادی، جهانی شدن موجب اعمال

رژیمهای تحمیلی بین‌المللی در زمینه‌های انتقال کالا، خدمات و سرمایه می‌شود و در بعد اجتماعی موجبات صعود و نزول لایه‌های اجتماعی جهان سوم و متضرر شدن عده زیادی از مردم کشورهای در حال توسعه را فراهم خواهد آورد.^(۹)

دکتر پیروز مجتهدزاده، آثار مثبت جهانی شدن را حرکت آزاد سرمایه و گسترش مبادلات بدون موانع بازرگانی در جهان، به هم پیوستن روزافزون اقتصادها در جهان و افزایش رونق اقتصادی و گسترش امنیت و ثبات جهانی، از میان رفتن موانع حرکت اطلاعات، گسترش دامنه آزادیهای فردی و ژرفتر شدن دموکراسی می‌داند و آثار منفی آن را از میان رفتن امنیت شغلی افراد، فقیرتر شدن کارگران، افزایش شکاف میان دارندگان و ناداران اجتماع، گسترش ناامنی، بیشتر شدن گرایشهای مادی در فرهنگها و گسترش دامنه سودجویی و سودپرستی برمی‌شمرد.^(۱۰)

دکتر هومن صدری جنبه‌های منفی جهانی شدن را تبدیل مناسبات اجتماعی به مناسبات شیئی یا کالایی، گسترش اقتصاد بازار آزاد در کناره‌ها یا در حاشیه و کاسته شدن از ابعاد معنوی و زیست بشری می‌داند.^(۱۱)

دکتر عماد افروغ جهانی شدن را در راستای اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری، توجه به اطلاعات‌گرایی به مثابه شیوه نوین توسعه، و جریان مابعد پست مدرنیسم می‌داند که با ذات هژمونیک لیبرال دموکراسی پیوند دارد.^(۱۲)

بنابر این جهانی شدن در صورتی چالش به شمار می‌آید که ارزشها و واقعیت‌های فرهنگی جوامع را زیر سؤال برد؛ فرهنگ مسلط در دیگر فرهنگها و ایدئولوژیها رخنه و نفوذ کند؛ گسترش فقر و بیکاری و شکاف بین داراها و ندارها را موجب شود؛ سبب افزایش اختلاف بین ثروتمندان و فقیران گردد؛ موجب افزایش بی‌ثباتی دولتها به دلیل پیچیدگی، غلظت، سرعت، درهم تنیدگی و رقابت مداوم شود، به استیلای سرمایه‌ای و مالی جهان غرب منجر گردد و اقلیت‌مداری و قومیت‌مداری را گسترش بخشد. از دیگر سو، جهانی شدن در صورتی فرصت محسوب می‌شود که موجب افزایش همدردی بشری نسبت به جامعه انسانی گردد؛ آشنایی فرهنگها با یکدیگر و احترام آنان به آرا و

نظریات دیگران را ایجاب کند؛ سیستم ارتباط راه دور جهانگیر شود؛ پیونددهنده فرهنگها با هدفهای بزرگ اجتماعی از قبیل حفظ محیط زیست، پشتیبانی از نهادهای مدنی و حراست و پاسداری از ارزشهای خانوادگی باشد؛ رشد و توسعه فن آوری ارتباطات را موجب گردد؛ استانداردهای حقوقی به عنوان قواعدی جهانی پذیرفته شود؛ فرصت انتخاب الگوهای رقیب افزایش یابد؛ خودآگاهی جهانی به وجود آید و ابعاد مختلف زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی را در یک بازار جهانی قرار دهد.

ج) ایران و جهانی شدن

با توجه به تحولات عصر جهانی شدن از قبیل فرامرزی شدن جریان گردش سرمایه، خدمات، پول، اطلاعات و انفورماتیک، تحقق نوعی مدیریت مشترک جهانی، اهمیت قدرت نرم افزاری در اثر انقلاب انفورماتیک، گسترش ارتباطات ماهواره‌ای، رسانه‌ای و رایانه‌ای، توسعه مناسبات و تعاملات فراملی و فرامرزی، افزایش پیوستگی بین جوامع مختلف، ظهور موزاییکها و خرده هویت‌های قومی، فرسایش تدریجی حاکمیت دولتها، ظهور واحدهای سیاسی غیردولتی در کنار دولت - ملتها، اهمیت بلوکهای تجاری، تحول اقتصاد در عصر اطلاعات و ارتباطات با توجه به بروز تجارت الکترونیک، بانکداری الکترونیک، تجارت متحرک و بانکداری متحرک، اهمیت گردش پول و مبادلات ارزی در شبکه مالی جهانی با بهره‌گیری از کارتهای اعتباری و اوراق بهادار جهانی، شایسته است جمهوری اسلامی ایران راهکارهایی را در راستای «مدیریت تحول» بیندیشد تا از این رهگذر بتواند در فرایند جهانی شدن به عنوان بازیگری فعال عمل کند. حال به بیان برخی توصیه‌ها برای دست‌اندرکاران سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های سیاسی، فکری، فرهنگی و ارتباطاتی، اقتصادی و مدیریتی اهتمام می‌کنیم.

۱- راهکارهای سیاسی

- ۱-۱- اتخاذ سیاست خارجی همه‌جانبه‌نگر و ترکیبی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، تجاری، تبلیغی، اجتماعی و فرهنگی و به عبارت دقیق‌تر ارتقای دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy) و سیاستهای غیررسمی
- ۱-۲- افزایش ظرفیت بازیگری با توجه به قواعد بازی جهانی و قدرت مانور دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی به‌منظور به حداقل رساندن محدودیتها، افزایش بهره‌برداری از فرصتهای موجود، تبدیل چالشها، فرصتها، ایجاد فرصتهای نوین
- ۱-۳- حضور بانشاط در عرصه تعامل و تقویت روابط فرامرزی با سایر ملتها؛ نظر به اینکه دستیابی به قدرت جمعی منطقه‌ای از طریق اعتمادسازی، گفتگو، احترام متقابل و تنش‌زدایی میسر است، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند همزمان با تقویت قدرت از درون از رهگذر اجماع ملی و ارتقای مشروعیت و مقبولیت داخلی به گسترش تعاملات با جهان خارج با تأکید بر بعد نرم ژئواستراتژیک سیاست خارجی اهتمام نماید.
- ۱-۴- مشارکت فعال و مؤثر در نهادهای بین‌المللی و تقویت سیاستهای چندجانبه‌گرا به‌منظور شکل‌دهی به افکار عمومی در سطح جهانی
- ۱-۵- برخورد محتاطانه با جهانی شدن به دلیل ابهام و پیچیدگی آن
- ۱-۶- تقویت همکاری جنوب - جنوب و متشکل‌سازی کشورهای در حال توسعه در رهگذر هماهنگ‌سازی شیوه‌های توسعه تواناییها و ظرفیتهای داخلی، تقویت روابط و همکاریهای بین‌ملتی - منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای و اتخاذ مواضع مشترک سیاسی
- ۱-۷- افزایش توان مذاکره، چانه‌زنی، امتیازدهی و امتیازگیری دیپلماتیک.
- ۱-۸- ایجاد اجماع محلی بین تصمیم‌گیران و بازیگران سیاسی داخلی و حفظ انسجام و پویایی درونی در سطوح سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی
- ۱-۹- ایجاد تحول در سیاست خارجی از رهگذر فعال‌سازی، پویاسازی و برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت با توجه به دگرگونیهای موجود بین‌المللی
- ۱-۱۰- ایفای نقشی پویا و سازنده در عرصه همگرایی منطقه‌ای با توجه به گسترش فعالیتها در گروه‌بندیهای منطقه‌ای

۱-۱۱- تمرکززدایی از سیاست و پرهیز از نگرش استعلایی به سیاست در مقایسه با حوزه‌های فرهنگ، اجتماع و اقتصاد

۲- راهکارهای فکری - فرهنگی و ارتباطاتی

۲-۱- اندیشه‌ورزی و اندیشه‌پردازی با ارائه نظریه‌ای جذاب، عملی، روزآمد و اقناع‌کننده خردها

۲-۲- مجهز شدن به قدرت ماهواره‌ای و ارتقای توانمندیهای اطلاعاتی، ارتباطاتی و

رایانه‌ای

۲-۳- گسترده‌تر کردن تورهای ارزشی در نظام اطلاع‌رسانی کشورهای در حال توسعه، ترسیخ هنجارهای بومی و محدود کردن سیلان ضد ارزشها به محیطهای علمی، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور

۲-۴- افزایش توجه به نقش نهادهای مدنی در سیاستگذاران و برنامه‌ریزیهای سیاسی - فرهنگی و افزایش فعالیت عرصه عمومی برای رویارویی با تهدیدات نرم‌افزاری

۲-۵- تأکید بر مشترکات فرهنگی داخلی به منظور ایجاد اجماع درونی بین صاحب‌نظران فرهنگی در خصوص هنجارها و ارزشهای اجتماعی

۲-۶- بهره‌برداری حداکثر از امکانات ارتباطاتی برای پیشبرد اهداف ارزشی

۲-۷- افزایش اهتمام به ابعاد نرم‌افزاری قدرت با توجه به تحولات تکنولوژیک، انقلاب ارتباطات و انفجار انفورماتیک و گسترش عرصه فرهنگ

۲-۸- بهره‌گیری از فرهنگ به عنوان ابزار کسب منزلت بین‌المللی در تعامل با دولتها و بازیگران غیردولتی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

۳- راهکارهای اقتصادی و مدیریتی

۳-۱- اتخاذ سیاست انفتاح و گشایش اقتصادی به منظور افزایش سهم ایران در بازار جهانی: در واقع تغییر در سیاستهای درونگرا و توجه به سیاستهای برونگرا در زمینه تجاری و اقتصادی موجبات سرمایه‌گذاری و سرمایه‌پذیری بیشتر را در تعامل با جهان

خارج فراهم خواهد ساخت.

۳-۲- افزایش سرعت عمل و بهره‌گیری از عنصر زمان در چاره‌اندیشی‌ها و اتخاذ سیاستهای خردمندانه

۳-۳- «مدیریت تغییر» از رهگذر اصلاحاتی درون‌زا، زیرین، هماهنگ، همه‌جانبه‌گر، درازمدت، نهادینه، برنامه‌ریزی شده، کنترل یافته، سازمان یافته، معتدل و سازنده

۳-۴- افزایش قدرت برنامه‌ریزی، پیش‌بینی و آینده‌نگری از رهگذر سناریوپردازی، مدل‌سازی و الگوپردازی

۳-۵- اصلاح دیوانسالاری و افزایش کارآمدی نظام مدیریتی از رهگذر انفکاک ساختاری و تمایز کارکردی

۳-۶- افزایش قدرت رقابت در عرصه‌های تجاری با مجهز شدن به دانایی، فناوری و ارتقای خودباوری جمعی

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه گذشت مشخص شد که برخی از صاحب‌نظران به جهانی شدن به‌عنوان پدیده‌ای می‌نگرند که دارای ابعاد عینی به دلیل تحولات در فناوریهای دیجیتال، رایانه‌ای و ارتباطاتی و برخوردار از ابعاد ذهنی به دلیل احساس تعلق مردم به جامعه جهانی و گسترش خودآگاهی جمعی بشری است. با وجود این، جهانی شدن را شمیشیری دو دم می‌دانند که هم می‌تواند موجبات شکوفایی و رشد و توسعه را فراهم آورد و هم به ویرانی و انحطاط منجر شود. بنابر این، روند جهانی شدن از دو زاویه نگر بسته شده است: یکی از بعد تکاملی جامعه انسانی و دیگری از بعد استعماری و استیلایی که باعث فروپاشی فرهنگ، تمدن، ملیت و شخصیت انسان می‌شود. لذا صاحب‌نظران ایرانی به اجماع نظر درباره این پدیده نرسیده‌اند؛ گرچه اذعان داشته‌اند که مهمترین دستاورد آن تحقق نظام شبکه‌ای است. با وجود این ماهیت ابهام‌آمیز جهانی شدن را به نوبه خود تهدیدزا تلقی کرده‌اند. اندیشه‌ورزان ایرانی در رویارویی با روند جهانی‌سازی «مدیریت تغییر» براساس «نظریه وحدت در عین کثرت» را پیشنهاد

کرده‌اند؛ بدین معنا که در عین حفظ ارزشها و فرهنگ بومی، از روشهای متکثر نوین بهره گرفته شود که در این رابطه افزایش اهتمام به اطلاع‌رسانی، فناوریهای ارتباطاتی، امنیت اقتصادی و اجتماعی، مدیریت جمعی جهانی، استراتژیهای چندجانبه، تقویت جریان فرهنگی از پایین به بالا، تغییر ساختاری در سیاست و تجارت خارجی از رهگذر تقویت سیاستهای برون‌گرا و بهره‌برداری بهینه و کامل از ظرفیتهای غیردولتی، ادغام سطوح فراملی و فروملی، ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای، افزایش نقش N G O ها، بازتولید عناصر فرهنگ اسلامی، «کسب قدرت از درون» به تعبیر هانا آرنت، انسجام در موزاییک‌بندی ملی، ارتقای نهادهای تعامل‌گرای فرهنگی و بطور کلی ایجاد دو لایه تعاملی (مبتنی بر تعاطلی فعال با جهان خارج) و تدافعی (مبتنی بر تحفظ و حفظ عتبه دفاعی) در برابر جهانی شدن پیشنهاد شده است.

یادداشتها

۱. اندلسیزه کردن اشاره‌ای است به تلاشهای غرب در بیرون راندن مسلمانان از سرزمینهای متصرفه اسلامی و کوشش به منظور انحطاط فرهنگی و مسخیل ساختن آنان در فرهنگ غرب
۲. اطلاعات، ۱۶ آبان ۷۹، ص ۲، اطلاعات، ۶ مهر ۷۹، ص ۶، جمهوری اسلامی، ۱۴ اردیبهشت ۷۹، ص ۳، جمهوری اسلامی، ۲۳ مرداد ۷۹، ص ۳، جمهوری اسلامی، ۲۹ آبان ۷۹، ص ۳، جمهوری اسلامی، ۲۲ خرداد ۷۹، ص ۱۴، جمهوری اسلامی، ۸ آذر ۷۹، ص ۵، جوان، ۲۹ آبان ۷۹، ص ۲، کیهان، ۲۳ مرداد ۷۹، ص ۳، کیهان، ۱۳ اردیبهشت ۷۹، ص ۱۴، کار و کارگر، ۳۰ آبان ۷۹، ص ۳
۳. اطلاعات، ۲۳ آذر ۷۹، اطلاعات ۳ مهر ۷۹ و اطلاعات ۲۷ مرداد ۷۹
۴. بین‌المللی شدن ناظر به جریانهای فراملی یا حفظ ساختار حاکمیت ملی دولتهاست ولی جهانی شدن ناظر به فرسایش حاکمیت دولتها و کمزنگ شدن مرزهاست از اینرو بین‌المللی شدن ناظر به روابط بین‌الدولی و جهانی شدن ناظر به روابط بین‌المللی یا غیردولتی است.
۵. فصلنامه سیاست خارجی، ویژه جهانی شدن، تابستان ۱۳۷۹
۶. فصلنامه سیاست خارجی، ویژه جهانی شدن، تابستان ۱۳۷۹ و اطلاعات ۲، ۳ و ۶ آذر ۷۹
۷. فصلنامه سیاست خارجی، ویژه جهانی شدن، تابستان ۱۳۷۹
۸. همایش جهان اسلام و جهانی شدن، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج، پاییز ۷۹
۹. اطلاعات، ۲۸ اردیبهشت ۷۹
۱۰. اطلاعات، آذر ۷۹
۱۱. جهانی شدن، دین و جهان‌گرایی، نگاه، شماره ۸، ص ۱۱۹





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی